



بازخوانی واقعه 13 آبان 57؛ شلیک به دانش‌آموزان از بیرون دانشگاه

دانش‌آموزان و دانشجویان معترض در دانشگاه تهران دقایقی بعد از شلیک گاز اشک‌آور، توسط نیروهای گارد ارتش از داخل خیابان و از پشت ...

دانش‌آموزان و دانشجویان معترض در دانشگاه تهران دقایقی بعد از شلیک گاز اشک‌آور، توسط نیروهای گارد ارتش از داخل خیابان و از پشت میله‌های اطراف دانشگاه، به رگبار بسته و قتل‌عام شدند. منابع رسمی رژیم پهلوی و خبرگزاری‌ها تعداد شهدای ۱۳ آبان را ۱۱ نفر اعلام کردند اما شاهدان عینی داخل دانشگاه خبر از شهادت حداقل ۶۵ دانش‌آموز و دانشجو دادند. به گزارش ایسنا، امروز ۱۳ آبان چهل و دومین سالروز حمله نظامیان ارتش شاهنشاهی به دانشگاه تهران و به شهادت رساندن ده‌ها نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان محاصره‌شده در دانشگاه در سال ۱۳۵۷ است.

رژیم پهلوی که در سراسیمه‌ی شش ماهه پایانی حیات ۵۷ ساله اش بود، تلاش کرد از نفوذ و اعتبار منوچهر اقبال نخست‌وزیر وقت استفاده کند و مردم سوگوار و عزادار را که هر روز لطمه و آسیب بیشتری از جفای ماموران امنیتی و نظامیان ارتش می‌دیدند، آرام کند اما عملکرد اقبال و تخلف در برگزاری بیست و سومین انتخابات مجلس شورای ملی موجب خوردن تیر اقبال به سنگ و درمانده و ناتوان‌تر شدن شاه پهلوی شد.

محمدرضا شاه به ناچار سراغ جعفر شریف‌امامی رفت تا شاید به لطف روحانی بودن پدر و غیردرباری و معتدل بودن خود جعفر بتواند از ناراحتی و خشم رو به افزایش مردم بکاهد به همین دلیل جعفر شریف‌امامی را برای دومین بار به عنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد و آقای نخست‌وزیر پنجم شهریور ۱۳۵۷ با شعار «دولت آشتی ملی» به دفتر نخست‌وزیری رفت و عنان دولت را در دست گرفت اما از اعتراضات و راهپیمایی‌ها کاسته نشد.

در فاصله پنجم تا بیست و یکم شهریور که شریف‌امامی کابینه اش را به بیست و چهارمین دوره مجلس شورای ملی معرفی کرد، امرای ارتش و ماموران سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - برای زهرچشم گرفتن از اجتماعات اعتراضی مردم در مراکز عمومی و خیابان‌ها و بی‌توجه به دلایل شکل‌گیری ناآرامی‌ها و خشم عمومی، دست ارتشبد غلامعلی اویسی فرماندار نظامی تهران را برای برخورد با مردم باز گذاشتند و او هم از ساعت ۶ صبح اعلام حکومت نظامی کرد و مردم بی‌اطلاع و با اطلاع از تصمیم فرماندار نظامی تهران، در اولین روز حکومت نظامی به خیابان و میدان‌زاله آمدند و نیروهای نظامی آتش‌پر حتمی را روی آنان گشودند و در عرض چند دقیقه کف خیابان و میدان‌زاله را از خون مردان و زنان معترض و عزادار خضاب کردند و حادثه «جمعه سیاه» ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ را رقم زدند.

کابینه جعفر شریف‌امامی چهار روز بعد، از مجلس بیست و چهارم رای اعتماد گرفت اما شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بعد از این رای اعتماد و خونریزی دیگری که در ۱۳ آبان اتفاق افتاد چنان رو به وخامت گذاشت که نخست‌وزیر جدید هم نتوانست از داغی شرایط آشفته و نابسامان ماههای پایانی حیات سلطنت پهلوی بکاهد.

با تیره‌تر شدن رابطه شاه و ملت و شعله کشیدن آتش خشم عمومی بر علیه دیکتاتور از یک سو و فراخوان آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی، رهبر نهضت دانش‌آموزان در دومین روز - ۱۶ مهر ۱۳۵۷ - تبعید به نوفل‌لوشاتوی فرانسه، دانش‌آموزان پایه متوسطه تهران با تعطیل کردن کلاس‌های درس به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند و با دانشجویان دانشگاه بر علیه رژیم پهلوی متحد شدند و مامور ارتش لوله مسلسل‌های خود را به آنان گرفتند و آنان را به رگبار بستند و دهها نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان را به شهادت رساندند.

فردای این واقعه خونین - ۱۴ آبان ۱۳۵۷ - دومین دولت جعفر شریف‌امامی استعفا داد و دولت آشتی ملی هم در کمتر از ۷۰ روز سرنگون شد و محمدرضا پهلوی پرده نقاشی را انداخت و با انتصاب دولت صد در صد نظامی، ارتشبد غلامرضا اژه‌اری را به عنوان نخست‌وزیر به مجلس بیستم و چهارم معرفی کرد.

روزشمار واقعه

اول آبان ۱۳۵۷

خبرگزاری فرانسه در نخستین روز آبان با تیتیر «اوضاع ایران نگران‌کننده است»، قدرت و کثرت تجمعات و تظاهرات علیه رژیم را این چنین گزارش کرد: «ناظران در تهران معتقدند از هم پاشیدگی فزاینده شرایط اجتماعی و دانشگاهی و فعالیت‌های اقتصادی در ایران به درجه نگران‌کننده‌ای رسیده است. در کشوری که حضور ارتش در شهرهای بزرگ، دیگر مانع تجمع عمومی در محوطه داخلی دانشگاه‌ها و تظاهرات سیاسی و مذهبی در شهرستان‌ها نمی‌شود...»

۲ آبان

از روز دوم آبان ۱۳۵۷ دانش‌آموزان از مدارس مختلف شهر با تظاهرات و سر دادن شعارهای ضد رژیم به محوطه دانشگاه تهران وارد شدند و با صلوات بر اهل بیت عصمت و طهارت، تظاهرات بزرگی را علیه رژیم سر دادند.

روزنامه کیهان جمعیت تظاهرکننده را بیش از ۱۰ هزار نفر اعلام کرد و نوشت: «تظاهر کنندگان در ساعت ۱۱:۳۰ از محوطه دانشگاه خارج شدند و در خیابان‌های اطراف دانشگاه به تظاهرات ادامه دادند.»

روزنامه اطلاعات هم در گزارشی نوشت: «در این روز هزاران دختر و پسر مسلمان نماز ظهر خود را در زمین چمن و دیگر نقاط محوطه دانشگاه خواندند. دانشگاه تهران تاکنون چنین صحنه‌ای به خود ندیده بود»

۳ آبان

روز سوم آبان نیز دانش‌آموزان، سر کلاس‌های درس حاضر نشدند و به دانشگاه تهران رفتند. گرچه نیروهای نظامی در طول مسیر اقدام به پراکنده کردن آنان کردند اما دانش‌آموزان از کوچه پس کوچه‌ها و راه‌های فرعی خود را به دانشگاه تهران رساندند.

دانش‌آموزان با سر دادن شعارهایی بر ضد رژیم و بر علیه آمریکا به حمایت از امام خمینی پرداختند. آنان با شعارهایی مانند درود بر خمینی، نصرمن الله و فتح قریب و شعارهایی در حمایت از زندانیان سیاسی در خیابان‌های دانشگاه تهران دست به راهپیمایی زدند. این تظاهرات تا ساعت ۲۲:۱۰ ادامه داشت.

تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان به دانشگاه صنعتی آریامهر - صنعتی شریف - نیز کشیده شد. گروهی ۸۰۰۰ نفره از دانش‌آموزان با شعارهای مذهبی به دانشگاه آریامهر رفتند و بعد از خواندن نماز جماعت مغرب و عشا متفرق شدند.

۴ آبان

فرماندار نظامی تهران در تهران اعلام حکومت نظامی کرد و گارد ارتش روز پنج‌شنبه ۴ آبان دانشگاه تهران را بست و از ورود دانشجویان و اساتید دانشگاه به داخل دانشگاه جلوگیری کرد و

تظاهرکنندگان در خیابان های اطراف دانشگاه تهران پخش شدند و با ارتش درگیر شدند.

۶ آبان

ششم آبان هم اکثر مدارس تهران تعطیل شد و دانش آموزان با حضور در خیابان ها، تظاهرات کردند. ماموران شهربانی و ارتش با حمله به آنان چندین دانش آموز را مجروح کردند.

در حالی که دکتر عبدالله شیبانی رییس دانشگاه تهران اوائل این ماه اعلام کرده بود «دانشگاه باید برای اعتراض دانشجویان آزاد باشد» نیروهای نظامی شهربانی و ارتش در اقدامی هماهنگ با جلوگیری از تجمع دانش آموزان اعلام کردند: «دانشگاه تهران در روزهای ششم و هفتم تعطیل است.»

بعد از این اعلام رییس دانشگاه تهران در مصاحبه ای حرفش را پس گرفت و گفت: «تجربه پنج روز آزادی عبور و مرور دانشگاه تهران نشان داد که کنترل باید انجام شود. شنیده ام گروه های بسیاری قصد داشتند به دانشگاه بیایند و تحصن اختیار کنند. اینها نشانگر این می تواند باشد که ممکن است از آزادی ها سوء استفاده شود.»

این سخنان کافی بود که ۲۱۰۰ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه تهران اعلام کنند به مدت یک هفته دست به تحصن می زنند.

۷ آبان

هفتم آبان نیروهای ارتش در اطراف دانشگاه تهران مستقر شدند و از رفتن مردم به دانشگاه جلوگیری کردند. دانش آموزان در اطراف دانشگاه تهران تجمع کردند و برخی از آنان هر طور بود خود را به داخل دانشگاه رساندند. آنان با شکستن قفل ها، درهای دانشگاه را به روی دانشجویان بیرون مانده از دانشگاه باز کردند و با ورود آنان به داخل دانشگاه تجمع ۵۰۰۰ نفری در محوطه دانشگاه تهران ایجاد شد و نیروهای نظامی هم فقط نظارت گر جمعیت بودند.

دانشجویان در زمین چمن دانشگاه اجتماع کردند و بعد از ساعت ۱۲ نماز جماعت برگزار کردند و بعد از نماز با سر دادن شعارهایی چون «حکومت اسلامی ایجاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «درد بر طالقانی مجاهد نستوه» و «ایران کربلا شده هر روز عاشورا شده» شروع به راهپیمایی کردند.

۸ آبان

هشتم آبان نیز دانشگاه تهران شاهد تظاهرات پر شور دانشجویان و دانش آموزان بود. در این روز نیروهای شهربانی از اطراف دانشگاه تخلیه شده بودند و دو کامیون نظامی ارتش جلوی در اصلی دانشگاه مستقر شد. عده ای از دانشجویان و مردم در محوطه دانشگاه دست به تظاهرات زدند و با انداختن زنجیر به دور مجسمه شاه سعی کردند آن را پایین بکشند که به دلیل استحکام مجسمه داخل دانشگاه موفق به این کار نشدند.

ساواک در گزارش از این روز نوشت: «حدود ساعت ۱۰:۰۰ عده زیادی از دانشجویان و افراد متفرقه وارد دانشگاه تهران شده و در داخل محوطه دانشگاه مبادرت به تظاهرات و دادن شعارهای ملی و میهنی نمودند. ضمنا با انداختن زنجیر به دور پیکره شاهنشاه آریامهر قصد پایین آوردن پیکره را داشتند که موفق نشده اند.»

۹ و ۱۰ آبان

تظاهرات دانشجویان روز نهم هم در دانشگاه برگزار شد و بدون هیچ اتفاقی پایان یافت. روز دهم مدارس تعطیل شد و دانش آموزان به دانشگاه تهران آمدند. ساعت ۹ صبح اجتماع بزرگ دانشگاه تهران به مناسبت هفته همبستگی با پیام آیت الله سید محمود طالقانی آغاز شد و چند نفر به سخنرانی پرداختند سپس ده ها هزار دانشجو و دانش آموز در محوطه دانشگاه دست به تظاهرات زدند.

۱۱، ۱۲ و ۱۳ آبان

یازدهم و دوازدهم آبان تظاهرات در دانشگاه تهران بدون درگیری پایان یافت.

اما شنبه ۱۳ آبان گروه های دانش آموزی به دنبال تعطیل شدن مدارس به دانشگاه تهران رفتند. هر لحظه بز تعداد تجمع کنندگان افزوده می شد. نیروهای نظامی از ساعت ۱۱ صبح محاصره دانشگاه را آغاز کردند. حدود ساعت ۱۲ ظهر نیروهای ارتش جلوی در جنوبی دانشگاه مستقر شدند و به داخل محوطه دانشگاه گاز اشک آور شلیک کردند و تظاهرکنندگان با روشن کردن آتش اقدام به خنثی سازی اثر گازهای اشک آور کردند.

به دنبال شلیک گاز اشک آور، نیروهای ارتشی سر لوله مسلسل های خودکار خود را از میله های اطراف دانشگاه به سمت دانش آموزان و دانشجویان تجمع کننده داخل دانشگاه گرفتند و به آنان شلیک کردند و تعداد زیادی از دانش آموزان به خاک و خون غلطیدند و صدها نفر مجروح شدند. دانش آموزان و دانشجویان زخمی از در شمالی دانشگاه به بیمارستان های اطراف منتقل شدند.

این تظاهرات خونین شش ساعت ادامه داشت.

خبرگزاری ها تعداد شهدا را ۱۰ نفر اما دانشجویان حاضر در دانشگاه این تعداد را ۶۵ نفر اعلام کردند. با شدت گرفتن تظاهرات دانش آموزان و دانشجویان به بیرون دانشگاه رفتند و خیابان های اطراف دانشگاه به محل زد و خورد تظاهرکنندگان و گارد ارتش تبدیل شد و بر اساس گزارش ها ۳۰ نقطه تهران به آتش کشیده شد.

۱۴ آبان

فردای این واقعه خونین تظاهرات وسیع تری در تهران بر پا شد. روزنامه کیهان در تشریح تظاهرات روز ۱۴ آبان نوشت: «تظاهرات ملت ایران به اوج خود رسیده و در عین حال روز اوج آتش سوزی ها در تهران بود.... و در شب، تهران در آتشی که از صبح روشن شده بود، روشن بود. در همین روز سفارت انگلستان نیز در جریان آتش سوزی ها دستخوش حریق شد و به دنبال آن کارخانه پیسی کولا واقع در خیابان آیزنهاور آتش زده شد و ساعت ها در میان آتش سوخت.»

پخش بدون سانسور

شب روز جنایت، تلویزیون ملی ایران برای اولین بار بدون سانسور تصاویر تلویزیونی کشتار دانش آموزان و دانشجویان را از شبکه یک سیما پخش کرد. پخش تصاویر خونین از تلویزیون در خانواده هایی که تلویزیون داشتند موجی از خشم و نفرت را علیه رژیم ایجاد کرد.

ناصرالدین شاه حسینی استاد دانشگاه تهران که مدتی مدیرعامل تلویزیون ملی ایران بود، استعفا داد.

روایت تاثیر جنایت

ناصر مقدم آخرین رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - ساواک - با اشاره به ملاقاتش با محمدرضا پهلوی قبل از روز ۱۳ آبان نوشت: «شاه گفت با توجه به این که حکومت شریف امامی موفق نبوده و هرگونه تلاش می نمایم بی نتیجه است لذا تنها راه حل وجود یک دولت نظامی است. ما مذاکراتی با سفرای امریکا و انگلستان داشتیم. آن ها نیز این مسئله را تأیید و پشتیبانی می نمایند. لذا تصمیم گرفته ام یک دولت نظامی روی کار بیاید و بلافاصله اشاره به ازاری نمود که شما رییس دولت خواهید بود....»

ابعاد حادثه خونین قتل عام دانش آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ به حدی بود که فردای روز واقعه روزنامه اطلاعات نوشت: «وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر ابوالفضل قاضی طی نامه ای به آقای نخست وزیر استعفای خود را در اعتراض به وقایع دیروز دانشگاه تهران اعلام کرد. وی اظهار داشت که «با این وضع نمی توان به خدمت ادامه داد.»

به دنبال این استعفا، کابینه جعفر شریف امامی نیز سقوط کرد و این روز «روز دانش آموز» نامیده شد.

ساواک طی گزارشی با اشاره به استمرار تظاهرات در روزهای بعد از ۱۳ آبان نوشت: «ساعت ۱۰:۲۰ یکشنبه چهاردهم آبان ۱۳۵۷ در خیابان ادیب الممالک مقابل مسجد سنگی میتینگ علیه رژیم و دولت ... تشکیل [شد] و پس از این که دبیرستان های وهابی، دانش، رهنما و کلیه مدارس اطراف را تعطیل و دانش آموزان را که حدود ۲۰۰۰ نفر می شدند جمع نمودند، در وسط خیابان چهارپایه ای گذاشتند و شخصی به نام مجتبی فرآورده بالای آن رفت و اظهار داشت: «ما امروز برده آمریکا هستیم و باید حتما از این بردگی نجات بیابیم. باید مسلح شویم و بجنگیم. ما امروز اسلحه در اختیار

داریم. لکن منتظر دستور خمینی می باشیم» و سپس افزود: «امروز باید به دانشگاه برویم و تا می توانیم در مسیر خود دست به اموال خارجی ها و آمریکایی ها بزنیم. همان طور که آن ها ما را می کشند ما هم بدین طریق انتقام خود را می گیریم.» و سپس افزود: «روز شنبه بر اثر حمله بی رحمانه ارتش به دانشگاه حدود ۶۵ نفر کشته شده اند و در این حال همه مردم را به گریه انداخت و از احساسات مردم استفاده کرد...».

فراخوان امام

امام امت دو روز بعد از تبعید از عراق به فرانسه در تاریخ ۱۶ مهر ۱۳۵۷ در پیامی مکتوب خطاب به عموم مردم آغاز سال تحصیلی ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ndash را به محصلان علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها و دانش آموزان تبریک گفتند.

ایشان در این پیام خاطرنشان کردند: «من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام مژده پیروزی نهایی می دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیلۀ های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان و مهره هایی به اسم شاه و دولت و وزیر و وکیل که به جان ملت مستضعف افتاده اند و خون آنان را می مکند.

هان، ای عزیزان من! در محیط مدارس و دانشگاه ها و دانشسراها آگاهانه و متعهد بپاییزید و به هم پیوندید و برای نجات اسلام و کشور کوشش کنید و قبل از هر چیز عملاً از احکام پر ارج اسلام که سعادت ملت ها را بیمه نموده است پیروی کنید و جناح هایی را که در اثر تبلیغات اجانب، فریب خورده و بعضی مکتب ها را پذیرفته اند و یا به آنها تمایل پیدا کرده اند، از حیلۀ دشمن آگاه کنید و جنایت های سران حیلۀ باز مکتب های منحرف را افشا کنید و برای نجات کشور از تفرقه و تشتت، سخت احتراز کنید و با صراحت خواسته های ما را که خواست همه مستضعفین است به آنان گوشزد کنید و شعار ما را که شعار ملت محروم و مظلوم است به آنان پیشنهاد کنید، باشد که با شناخت صحیح به شما پیوندند.

و از طرف من به آنان بگویند اسلامی که شما از زبان دیگران یا ناآشنایان به مکتب قرآن شنیده اید و یا منحرفان تفرقه طلب و عمال استعمارگران به شما معرفی کرده اند، اسلام نیست. بیایید اسلام عزیز را از دانشمندان آشنا به منطق قرآن بشنوید و در آن، چیزی را که بالاتر از آمال و افکار شماسبت بیابید و گول مبلغان استعمارگران را مخورید؛ یک نظر سطحی به وضع سران اینگونه کشورها کافی است که شما را بیدار کند.

ای فرزندان ایران! پیوندتان را با ملت بزرگ مان که تنها می خواهد روی پای خود بایستد و هیچ گونه گرایشی به شرق و غرب نداشته باشد و به همین مناسبت مورد هجوم چپ و راست قرار گرفته است و هر روز شاهد کشتار دسته جمعی آنان به دست شرق و غرب هستیم، مستحکم تر کنید و با شعار واحد توحیدی، دست جباران و غارتگران بین المللی را از مخازن غنی خود کوتاه کنید و با دست یافتن به مخازن بزرگ و کوتاه کردن دست زمامداران، کرسی نشینان خیانتکار، با همت ملت بزرگ به اداره کشور بپردازید؛ و سرمایه های عظیمی که امروز به دست دزدهای غارتگر بین المللی و دودمان پهلوی و بستگان آنان و هیأت حاکمه و دیگران تباه می شود، در راه صلاح و خیر ملت و مملکت به کار اندازید. بساط هرج و مرج و اسراف و هززه گری ها را به برکت حکومت اسلامی در هم پیچید و کشور خود را نجات دهید و به خدای بزرگ اتکال کنید که نگهدار و معین شماسبت.

اکنون به خواسته های ابتدایی و مقدماتی ما، که رسیدن به سعادت و آزادی و استقلال و حکومت عدل اسلامی بدون آن ممکن نیست و به سدهایی که باید از سر راه برداشته شود، توجه کنید:

۱- برچیده شدن نظام شاهنشاهی، که در طول تاریخ، تمام تیره روزی های ملت مستضعف به دست شاهان و به خاطر نظام شاهنشاهی بوده است و ستمکاری های آنان روی تاریخ را سیاه نموده است و نمونه اش در عصر حاضر، شاه است که کشور را به سرعت به سوی سقوط می کشاند. موافقت با نظام شاهنشاهی چه به صراحت و چه به وسیله طریحی که لازمه اش بقای آن است، خیانت به اسلام و قرآن کریم و مسلمین و ایران است و هر کس با هر اسم با آن روی موافقت نشان دهد مطرود و اجتناب از او لازم است.

۲- بیرون راندن تمام عناصری که در زمان سلطنت پهلوی متصدی امور مهمه کشور بوده اند مثل وزارت و وکالت که اینان بدون استئنا شریک جرم و آلت اجرای مقاصد اجانب با شاه بوده اند و باید از تصدی امور کشور برکنار باشند و محاکمه و مجازات شوند و فرقی نیست بین موافقین دولت و آنان که با فرصت طلبی و فریبکاری، خود را به صورت مخالف در آورده اند و به فریاد برخاسته اند، و آنان که دم از انتخابات آزاد و عمل به قانون اساسی می زنند؛ زیرا تمام اینها کوشش دارند با این نغمه های شیطانی، شاه را حفظ کنند و بساط سوء استفاده را ادامه و رونق دهند، و غارتگران بین المللی را در چپاول مخازن ما کمک کنند.

۳- در همه حال، شعار ما قطع ایادی اجانب راست و چپ از سر کشور است؛ زیرا رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور، اعم از سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی خواب و خیالی بیش نیست و هر کس در هر مقامی و به هر صورتی اجازه دخالت اجانب را در وطن عزیز ما، چه با صراحت و چه به وسیله طرح هایی که لازمه اش ادامه تسلط اجنبی یا ایجاد تسلط تازه ای باشد بدهد، خائن به اسلام و کشور است، و احتراز از او لازم است؛ زیرا اگر دخالت اجانب - خصوصاً امریکا، شوروی، انگلیس - وجود داشته باشد، هر رژیمی که روی کار بیاید تنها آلتی خواهد بود برای عقب نگه داشتن ملت و ادامه بدبختی ها و محرومیت ها از یک طرف، و چپاولگری ها و قلدری ها از طرف دیگر.

عوض شدن مهره ها گرچه ممکن است موقتاً اوضاع را بهتر از حال حاضر کند، ولی تأثیری در سرنوشت ما ندارد، زیرا تمام بدبختی ها و گرفتاری های مسلمین از دخالت اجانب در مقدرات آنان است. اینها اجمالی است از خواسته های مقدماتی ما و خواسته های اصلی پس از طی این مرحله عرضه می شود و به خواست خدای تعالی و با ادامه نهضت ملی اسلامی با کمال قدرت اجرا خواهد شد.

و اما وظیفه ما و شما دانشجویان و دانش آموزان و طلاب علوم دینی:

۱- اگر از استادان و دبیران و سران قوم، انحرافی از مقاصد ملی و دینی که سرنگونی رژیم پوسیده در رأس آن است دیدید، شدیداً اعتراض کنید و راه ملت را که راه خداست به آنان پیشنهاد کنید، و در صورتی که نپذیرفتند، از آنان احتراز کرده و صریحاً مقاصد منحرف آنان را برای مردم مظلوم شرح دهید؛ که اینها خائن به دین و ملت و کشورند و می خواهند شاه و اربابان او و چپاولگران بین المللی به غارتگری خود ادامه دهند و ملت را به حال فقر و عقب ماندگی نگه دارند.

۲- طلاب علوم دینی و دانشجویان با هم روابط دوستانه و فعالانه داشته باشند و بر اساس به دست آمدن استقلال و آزادی و خلع ید غاصبان از حقوق ملت در تمام ابعادش، به سایر طبقات ملت بپیوندند.

۳- شما و ما و سایر قشرها مکلفیم به ارتش بفهمانیم که باید زنجیر تسلط اجانب را با قدرت نظامی پاره کند و به ملت بپیوندند و کشور را از ننگ فرمانروایی مستشاران اجانب برهاند زیرا صلاح دین و دنیای همگی در آن است و بدون سرنگونی رژیم شاه، نجات امکان ندارد.

باید ارتشیان را آگاه گردانید که شاه و عمال سرسپرده او، شما را در راه مقاصد شوم خود و ابرقدرت ها و (غارتگران ضعفا) به خدمت می گیرد، که حفظ منافع اجانب و همدستی با اسرائیل نمونه آن است و کشته دادن و ننگ از آن شماسبت و حفظ مقام و ادامه ستمگری و غارتگری از آن او و ستمگران است. هلاکت و برادرکشی، نصب درجه داران جوان و سربازان است و استفاده و عیاشی برای دیگران. باید خود را از شر شاه نجات دهند و شاهد پیروزی را در آغوش کشند.

شما ای طبقه جوان ارتش، بپاییزید و کشور خود را از زیبونی و ذلت نجات دهید و دست غارتگران را کوتاه کنید و شرف و عزت را برای خود به یادگار بگذارید و سعادت دو دنیا را بیمه کنید. و وظیفه دانشجویان است که در محیط دانشگاه هر چه بیشتر ارتش را برای یک قیام همگانی تشویق و ترغیب کنند، و آنان را برادر خود بنامند و با صدای بلند از آنان سؤال کنند: آیا جواب گل، گلوله است؟!

۴- بسیار هوشمندانه به مسائل روز نظر کنید و گول خدعه های دستگاه شاه را که با طرح های مختلف می خواهد ایجاد نفاق کند نخورید زیرا از قراری که شنیده می شود، می خواهند گروهی از دست نشاندگان و مأمورین شاه را وادار کنند و در دانشگاه ها شعارهای کمونیستی بدهند تا مردم را از خطرات آن بترسانند. «حزب توده» حزب کثیف مرتبط به دستگاه شاه است و تمام شعارها و نمایش ها برای سست کردن نهضت اسلامی و نجات شاه از سقوط و برقرار داشتن دستگاه چپاول و پایدار ماندن چرخ های سوء استفاده از مخازن ملت محروم است، شما دانشجویان عزیز موظفید این

نقشهٔ شیطانی را نقش بر آب کنید.

۵- شما دانشجویان موظف هستید که از قیام حق طلبانه و مردانهٔ قشرهای کارگر و کارمندان محروم و مسلمان ایران که به اعتصاب کشیده شده است پشتیبانی کنید. اینان مسلمانان محرومی هستند که از حق کشتی رژیم شاه به تنگ آمده اند و برای احقاق حق و همگامی و هم دردی با سایر برادران خود به پا خاسته اند و همه می دانید تا رژیم فعلی سر کار است، عدالت اجتماعی و رسیدگی به حال زحمتکشان محروم، امری است که جامعهٔ عمل به خود نمی پوشد.

به آنان از من بگوئید که گول دستگاه فریبکار را نخورید و دست از اعتصابات نکشید و نهضت اسلامی خود را ادامه دهید، تا با خواست خدا دست غارتگران حقوق شما و سایر ملت را قطع و به برکت حکومت اسلامی به عدالت حقیقی و برخورداری از نعمت های الهی نایل شوید و به آنان تذکر دهید: در اعتصابات خود پشتکار به خرج دهید و شعارهای اسلامی خود را هر چه بیشتر گسترش دهید و اتکال به خدای تعالی نموده و مطمئن باشید پیروزمندانه به حقوق حقهٔ خود می رسید. »

در کتاب یک سال - بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷- مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه-حجت الاسلام والمسلمین روح الله حسینیان - مرکز اسناد انقلاب اسلامی

دولت نظامی

با روی کار آمدن سپهبد غلامرضا ازهاری، دولت نظامی برای آرام کردن فضا برخی مقامات عالی رتبه رژیم که طی پست های حساس داشتند، بازداشت کرد. در بین بازداشت شدگان «نعمت الله نصیری»، «منوچهر آرمون»، «داریوش همایون»، «غلامرضا نیک پی» و در هفدهم آبان «امیرعباس هویدا» نیز به این فهرست اضافه شد.

منابع:

صحیفه امام، جلد ۳، ص ۴۸۳- ۴۸۸

صحیفه امام، ج ۴، صص ۳۰۸- ۳۱۰

روزنامه کیهان، ۲ آبان ۱۳۵۷ ص ۲

روزنامه اطلاعات، ۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه کیهان، ۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۲

روزنامه کیهان، ۶ آبان ۱۳۵۷، صص ۲، ۲۱ و ۲۲

روزنامه کیهان، ۷ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه کیهان، ۸ آبان ۱۳۵۷، ص ۱۹

روزنامه کیهان، ۹ آبان ۱۳۵۷، ص ۱۷

روزنامه کیهان، ۱۰ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه کیهان، ۱۱ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه کیهان، ۱۳ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه کیهان، ۱۴ آبان ۱۳۵۷، ص ۱

روزنامه اطلاعات، ۱۶/۱۱/۱۳۵۷، ص ۷